

مقاومت در برابر نکبت

بررسی یک نهضت و جستجوی پاسخ چند سوال

دکتر اکرم روشنفکر (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان)

Akram Roshanfekar

(Assistant Professor and Faculty Member of Gilan university)

رشت - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه زبان و ادبیات عرب

Saneh210@yahoo.com

شماره تماس 09123780693

نمابر 01316690577

بهمن ماه 1381

February 2002

مقدمه :

بررسیهای سیاسی اغلب بهره ای از پژوهش تاریخی دارند و تاریخ تحول موضوع در بسیاری از پژوهشها مندرج است. حال اگر پژوهشی از باب تاریخ به موضوع وارد شده و به آن بپردازد، قطعا در صدد بزرگ نمایی اهمیت تاریخی مساله است. اما اگر تاریخ محل استناد یک موضوع کاملا سیاسی باشد، چاره ای جز پرداختن به بسیاری از جزئیات تاریخی نیست، تا بتوان صحت و سقم استناد تاریخی موضوع سیاسی مورد نظر را درک نمود.

صرفنظر از تمام جزئیات مساله فلسطین، این مقاله در صدد طرح برخی از جزئیات تاریخی است تا به تفسیر موضوع قابلیت جدیدی داده و به درک شرایط کنونی کمک نماید.

تاریخ فلسطین :

سرزمین فلسطین در ضلع شرقی دریای مدیترانه تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. این سرزمین بسیار پیشتر از آنکه هیروودت (420-484 ق.م) آن را بخش جنوبی سوریه بداند و از آن با نام فلسطین یاد کند، از هزاره دوم قبل از میلاد مشتق از فلسطیا (فلسطین) نامیده می شد. (شوفانی، 1996 م/8) البته در طول تاریخ اقوام متعددی در نواحی مختلف این سرزمین می زیستند که از همین رو نواحی مختلف ان اسمهای گوناگونی داشت. (1)

همزمان با ظهور اسلام (شهر صلح) (2) در احاطه کوههای صهیون (3) و زیتون از سلسله جبال قدس در شرق فلسطین کانون توجهات مسلمانان گردید. اورشلیم منسوب به الهه صلح کنعانیان باستان که زمانی نیز نزد رومیان "ایلیاء" نامیده می شد، بعد از فتح اسلامی "بیت المقدس" و "قدس" نام گرفت.

این شهر سالیانی پس از مهاجرتهای اعراب شبه جزیره به شمال آن و منطقه شامات و در پی جنگ فرسایشی فارس و روم به دست مسلمانان فتح شد.

ارزش معنوی بیت المقدس :

گویند: سپاه عمرو بن عاص رو به جنوب فلسطین نهاد، و خالد بن ولید که در عراق شمشیر می زد به امر خلیفه به جبهه شام شتافت، و عاقبت فلسطین در سال 15 ه.ق (636م) فتح شد. (فلسطین تاریخها و قضیتها، 1983 م/56-155) اما بیت المقدس بنا به درخواست اسقف با حضور خلیفه در این شهر تسلیم شد.

عمر بن خطاب بر پلکان کنار در " معبد قیامت " نماز گزارد، و از آن زمان مسجد کوچکی مقابل این معبد برپاست. (4) صرف نظر از این معبد، حرم شریف قدس - نخستین قبله گاه مسلمانان جهان - قبه الصخره، مسجد الاقصی (5) و دیوار براق (6) اماکن مقدس اسلامی است که بر ارزش معنوی این شهر افزوده است. (7)

چشمداشت بیزانس :

این ارزش معنوی در خلال قرون دوازده و سیزده میلادی بر رهبران دنیای مسیحی پوشیده نماند، و هم آن دستاویز جنگهای صلیبی علیه مسلمانان گردید. در خلال این جنگ ها، فلسطین بارها آماج حملات صلیبها گردید و قدس در شرف سقوط قرار گرفت. جنگ طلبان صلیبی که با داعیه رهائی مکانهای مقدس مسیحیان در بیت المقدس و در واقع هماهنگ با سیاست سلطه بر کلیسای ارتدکس و کاتولیک و با پیشنهاد امپراتور بیزانس (8) پشت علم صلیب مقدس به سواحل شرقی مدیترانه یورش آوردند، در حمله اول (9) و ششم (10) بیت المقدس را اشغال نمودند، اما در سایر حملات با مقاومت مسلمانان مواجه شده و پس از قریب نه جنگ حاکمان مقتدر مسلمانان (11) آنان را از سواحل مدیترانه راندند. صلیبها در طول دو قرن جنگ با مسلمانان، پشت علم صلیب؛ به بهبود وضع اقتصادی و ترقی اجتماعی خود می اندیشیدند.

در میان طبقات بالا، عبارت از: بارونها، افراد متمول و سران نظامی بودند که حملات صلیبی را فرصتی برای گرایشهای جنگی، به دست آوردن غنائم و ثروت و تاسیس مناطق جدید تحت نفوذ می دیدند که ان شهرت و شوکتی مضاعف به ارمغان می آورد. اما طبقات فرودست میان احساس مذهبی و تغییر شرایط اجتماعی مناسبتی برقرار نموده و رهایی از بردگی، فرصت برای پرداخت دیون یا بخشودگی آنها، به دست

اوردن زمین و خلاص شدن از نظام ارباب رعیتی و ... را در این حملات می دیدند. (شوفانی/92-187
زعترا، ترجمه هاشمی رفسنجانی، لا تا/73-58)

توجه غرب به فلسطین در قرن نوزدهم :

این رویکرد در قرن نوزدهم دوباره رخ داد ، و ارزش معنوی فلسطین بار دیگر مورد توجه قرار گرفت ، اما مسیحیت بازنشسته که به توصیه خردگرایان تجربه کار در زاویه کلیساها پارسائی را موعظه می کرد ، محمل شایسته ای برای سلطه طلبی غرب در عصر حاضر نبود. لذا اهداف بلند پروازانه آن در دین یهود جستجو گردید. برای درک این سیاست توضیح 2 نکته ضروری است.

الف - پیدایش ناسیونالیسم :

اروپا در قرن نوزدهم شاهد گرایشهای ناسیونالیستی بود.

نمای بیرونی این جنبش در رابطه با جغرافیای اسلامی قوت گرفتن داعیه داران استقلال از عثمانیان بود که به جدایی تدریجی شبه جزیره بالکان از امپراطوری عثمانی و ظهور اشخاصی چون شریف مکه انجامید که وی مورد حمایت انگلستان قرار گرفت و در فروپاشی امپراطوری عثمانی و ترسیم جغرافیای جدید منطقه نقش مهمی ایفا نمود. (دیراوی، 1992 م 97-388. شوفانی/54-347) نتیجه این جنبش که در میان اعراب پان عربیسم خوانده می شد ، تشکیل کشورهای کوچک و بزرگ خاورمیانه عربی و استقلال آنها بود ، اما در این میان فلسطین سرنوشت غریبی پیدا نمود.

نمای درونی ناسیونالیسم ؛ رشد و نمو اندیشه " ملت یهود " در اروپا بود. این اندیشه از 1799 م که ناپلئون یهودیان را وارثان قانونی فلسطین نامید، (جرار 1992 م، زعترا/75) قوت گرفت و اندیشمندان " تز ملت یهود " با باور آن در 1897 م در " بال " سوئیس گرد هم آمدند. شرکت کنندگان در این گردهمایی بر ایجاد مامنی برای یهودیان در فلسطین و وحدت یهودیان جهان ، بالا بردن احساسات و عواطف ناسیونالیستی ساکنان یهودی فلسطین تاکید کردند.

در مدت زمان ما بین کنفرانس "بال" و جنگ جهانی اول، سازمان صهیونیسم ده کنفرانس تشکیل داد و در این بین برای اجراء برنامه کنفرانس "بال" تعدادی از جمعیت‌های سازماندهی و بودجه بندی تشکیل شد. در 1899 م صندوق استعماری "ودیعه یهود" با هدف پشتیبانی از مهاجرت به فلسطین و اسکان مهاجران ایجاد شد که در 1903 م شعبه آن برای خرید زمین و حمایت مالی شهرک نشینی در "یافا" موسوم به الشركة الانکلیزیه - الفلستینیه تاسیس گردید. در کنفرانس پنجم سازمان صهیونیسم 1901 م صندوق ملی یهود بر اساس اصول اسکان نژادی تاسیس شد. (شوفانی/137، 26)

ب- ایجاد مستعمره نشین جدید (12):

با جان گرفتن اندیشه "ملت یهود" که شالوده آن بر اساس افکار Moses Hess (موشیه موسی هس) (1875 م - 1812 م) در کتابهای (روم و قدس) (1862 م) و (پروژه استعمار سرزمین قدس) (1867 م) Leon Leib-Pinsker (لیولیف پنسکر) (1891 م - 1821 م) در کتاب آزادی ذاتی و Asher Ginsberg که آحاد هاعام خوانده می شد (1927 م - 1856 م) در برنامه جمعیت "دوستداران صهیون" Theodor Herzl (تئودور هرتزل) (1904 م - 1860 م) در جزوه "دولت یهود" پایه گذاری شد، (شوفانی 20-319) یهودیان اروپای شرقی گروه گروه به فلسطین مهاجرت کردند. این نخستین موج حرکت یهودیان اروپائی است که در خلال حکومت خلیفه عثمانی (عبدالحمید ثانی 1909 م - 1876 م) روی داد. البته او در صدد مواجهه با این حرکت برآمد، اما کامیاب نشد. (جرار/10)

شاید یهودیان مهاجر برای فرار از شرایط ناگوار زندگی - بسان روی آوردن افراد فرودست اروپائی به جنگ‌های صلیبی - به فلسطین کوچ کردند، اما حضور ایشان در فلسطین در خلال جنگ جهانی اول برای دولت متخاصم عثمانی (انگلستان) اهمیت ویژه ای یافت، زیرا آنان وظیفه جاسوسی را علیه عثمانیان برعهده گرفتند که برای حکومت عثمانی فجایعی به بار آورد، و برای انگلستان سخت سودمند واقع شد. بویژه آنکه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، فلسطین بر اساس قرارداد سایکس - بیکو (13) تحت الحمایه انگلستان قرار گرفت. (14) به این ترتیب مستعمره نشین جدیدی تاسیس شد.

پروژه ی ملت یهود :

اما قبل از تحت الحمایگی؛ فلسطین که در سپتامبر 1918 م به اشغال سربازان انگلیسی در آمده بود تا 1920 م توسط نظامیان انگلیسی و پس از آن توسط نماینده بلند پایه انگلستان - هربرت ساموئل یهودی - اداره می شد در این مدت زمینه اجراء مفاد اعلامیه بالفور (2 نوامبر 1917 م) مهیا گردید. (الدیراوی/30-429 .شوفانی/59-341) مبسوط الید بودن مدیران یهودی فلسطین در خلال سالهای 1920 - 1947 م امتیازات زیادی برای پروژه "ملت یهود" به همراه داشت ، و به مهاجرت یهودیان به فلسطین سرعت بخشید. این سرعت شتاب خود را مرهون تشکیل سازمانهای صهیونیستی داخل فلسطین بوده که توسط سیاستگذاران اروپایی اداره می شد.

مهمترین گردهمایی آنان در کنفرانس لندن 1920 م بود که هیئتهای زیادی در آن شرکت داشتند از جمله هیئتی از امریکا به رهبری براندایس و مهمترین مواد دستور کار این کنفرانس انتصاب رئیس سازمان صهیونیسم جهانی به کاندیداتوری لوئیس براندایس و حاییم وایزمن روسی الاصل (رهبر صهیونیستهای انگلستان) بود که به موفقیت وایزمن انجامید.

ماده دیگر در مورد ایجاد صندوق تاسیسی (کیرن هیسود) بعنوان بازوی مالی سازمان بود ، که این صندوق پشتیبانی مالی مهاجرت یهود را به فلسطین بر عهده داشت. (15)

از جمله سازمانهایی که داخل فلسطین تاسیس گردید ، (سازمان وکالت یهودیان) بود ، (16) که به عنوان بازوی اجرائی سازمان صهیونیسم و در راستای تلاش آن در صحنه جهانی ، امور داخلی مستعمره نشین جدید را تدبیر می نمود. این "وکالت" از 1918 م مشاور نظامیان انگلیسی حاکم بر فلسطین بود ، و سخنگوی شهروندان صهیونیست نزد انگلستان و جامعه ملل و سازمانهای بین المللی گردید.

به تدریج و با توسعه دامنه فعالیت "وکالت" اصول کار "سازمان وکالت یهودیان" (در 14 آگوست 1929 م (شانزدهمین کنفرانس صهیونیسم در زوریخ) بر اساس تقویت مهاجرت یهودیان ، رشد دادن فرهنگ یهودی، پیشرفت زبان عبری ، توسعه املاک "صندوق ملی یهود" و تشکیل نیروهای مسلح (هاغاناه=سازمان دفاع) معین گردید. و در نتیجه ، مهاجرت یهودیان به فلسطین رشد چشم گیری نمود ، چنانکه تعداد یهودیان که

در 1918 م پنجاه هزار نفر بود، در 1947 م بالغ بر هفتصد هزار نفر گردید. (جرار، 18/1995) همچنین این سازمان بدلیل سوءاستفاده کامل از ابزار حکومتی دولت تحت الحمایه در توسعه املاک "صندوق ملی یهود" جهت اسکان مهاجران و ایجاد شهرکهای جدید نسبتا کامیاب گردید. (17) البته این نسبت پس از قرار تقسیم حکومت فلسطین به دو دولت عربی و یهودی که از طرف سازمان ملل در پی عقب نشینی رجال انگلیسی دولت تحت الحمایه (1947 م) اعلام گردید، روند صعودی به خود گرفت.

سیاست یهودی سازی اراضی اشغالی :

به این ترتیب در اثناء جنگ 1948 م (پس از برپائی کیان صهیونیستی) از مجموع 807 شهر و روستای فلسطین، 479 شهر و روستا به اشغال نظامیان صهیونیست در آمد. بالغ بر 270 روستا در خلال سنوات 1948-1950 م ویران شد. البته میزان خسارت این مناطق متفاوت بود، و در برخی روستاها خانواده های صهیونیست نشین اسکان یافتند. پس آنان که به کلی تخریب شده بودند جای خود را به شهرک های صهیونیست نشین جدید الاحداث و یا مزارع و باغهای کیان صهیونیستی دادند. (شوفانی/5-504 جرار، 26-33/1995. کناعنه، د.ت/93)

اما روند تجاوز نظامی و اشغال مناطق عرب نشین در خلال جنگهای 1956 م و 1967 م ادامه یافت و پس از جنگ 1973 م استراتژی یهودی سازی در قلب منطقه الجلیل (ژوئن 1974 م) مطرح گردید، و در پی پیشنهاد اداره شهرکها (سازمان وکالت یهودیان) 58 شهرک صهیونیست نشین احداث گردید. احداث این شهرکها میان مناطق عرب نشین بر اساس برنامه پیش بینی شده باعث پراکندگی مناطق مجاور یکدیگر گردید. (فلاح، 36/1993)

توزیع جغرافیایی درگیری با اعراب :

این پراکندگی و اسکان شهروندان صهیونیست بین فلسطینیها بر اساس سیاست توزیع جغرافیایی در گریه‌های دولت صهیونیست با اعراب بوده است.

بر اساس این سیاست که نشأت گرفته از مدیریت بحران صهیونیست‌هاست، شهروندان صهیونیست طرف نزاع با اعراب قرار گرفته اند ، و بسیار طبیعی است که از کیان خود دفاع کنند ، بویژه اینکه نیروی نظامی ، سرمایه و سیستم قانونی حاکم بر فلسطین اشغالی از ایشان حمایت می کند ، صرفنظر از آنکه بر اساس قانون "سازمان وکالت یهودیا" کلیه اراضی اشغالی در تملک (صندوق ملی یهود) قرار دارد و بسیار طبیعی است که تصرف در آنها هماهنگ با سیاست دولت صهیونیستی باشد. (18)

س 1: اما سوال نخست این مقاله آن است که محدوده یهودی سازی کجاست؟ و دامنه آن تا کجا گسترش می یابد؟

با نگاهی مجدد به کارنامه داعیان صهیونیسم به روشنی در می یابیم که ایشان در راستای کسب قدرت ، برای کسب اعتبار یا به عبارت جامعه شناختی "مشروعیت حکومتی" تکیه بر یهودیت نهاده ، و ملهم از اساطیر و حماسه های تورات پوسته مشروعیتی برای رژیم صهیونیستی مهیا نمودند. (مصالحه، 2/2001)

اما خدشه پذیر بودن مشروعیت این حکومت از همان آغاز کاملاً آشکار بود ، تا اینکه نیروهای مسلح (هاغاناه) در نخستین فرصت غرب بیت المقدس را تصرف کردند ، و با اشغال آن (مه 1948م) و تهدید شرق بیت المقدس که اماکن دینی در آن قسمت قرار دارد ، برای رژیم صهیونیستی حق حاکمیت تدارک نمودند. شوفانی/529. الخالدی، 2001 م/18) به دست آوردن حق حاکمیت بر مناطق متعدد فلسطین از جمله قسمتی از قدس (19) رژیم صهیونیستی را در آستانه "سیاست توسعه طلبی" در بعد خارجی (20) قرار داد.

توسعه طلبی کیان صهیونیستی :

سابقه تئوریک این سیاست به نظرات جابوتنسکی (21) در 1925 برمیگردد. او مانند بسیاری از اصلاح طلبان صهیونیست معتقد به برپائی دولت یهود بر دو کرانه رود اردن (شامل بخش وسیعی از کشور اردن) بود. (مصالحه/72) این ایده بار دیگر در دهه هشتاد قرن بیستم بروز یافت، و نتانیاهو (رئیس کابینه رژیم صهیونیستی خلال 1999-1996 م) در گفتگو با Wall street journal (آوریل 1983 م) به تئوری فلسطین شرقی اشاره نمود. (22) اما در پی امضاء قرارداد صلح با اردن (اکتبر 1994 م) با قبول تئوری مشهور به "خساره الضغه الشرقیه" مطلب مسکوت ماند. با این حال مسکوت ماندن پروژه "فلسطین شرقی" هیچگاه به معنای تعطیل (توسعه طلبی) نیست، زیرا شواهد آن را می توان در جنگ 1967 م جستجو نمود.

در این جنگ رژیم صهیونیستی قدس قدیم را که به دست نیروهای اردنی بود، اشغال نموده و به غرب بیت المقدس ضمیمه کرد. همچنین در ادامه توسعه طلبی در درون مرزهای فلسطین مناطق نوار غزه که تا کانال سوئز امتداد دارد و کرانه باختری رود اردن به اشغال نظامیان صهیونیست درآمد. (23) اما دامنه توسعه طلبی در خارج از مرزهای فلسطین اشغالی تا بلندیهای جولان سوریه گسترده شد و در همین جنگ هزاران کیلومتر مربع از سرزمین سوریه به اشغال نظامیان صهیونیست درآمد. (24)

با اینحال اشغال بلندیهای استراتژیک جولان شعله های توسعه طلبی آزمندانه رژیم صهیونیستی را مهار نمود و این رژیم پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل (1973 م) به بهانه دفع عملیات ایذائی پناه جویان فلسطینی ساکن در جنوب لبنان به شمال فلسطین اشغالی، در 1982 م به جنوب لبنان تجاوز نمود.

جنگ در جنوب لبنان :

این جنگ که در پیچیدگی معضلات و اختلافات طوایف لبنانی سرآمده درگیرها بود، براساس برنامه می بایست استراتژی دهه هشتاد را که تجزیه جوامع عربی بود کامل کند و زمینه تقسیم سوریه به دولتهای محلی فراهم آید و سپس عراق که بر اثر درگیریهای داخلی استعداد افزونی در تجزیه پذیری دارد، به مناطق سنی نشین، شیعه نشین با حکومتهای محلی در بصره، بغداد، موصل و منطقه کردنشین تقسیم شود. (25)

این طرح توسط (عودیدینون) روزنامه نگار و تحلیل گر امور خاورمیانه که کارمند سابق وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی بود، در اجلاس ادواری سازمان صهیونیسم جهانی (فوریه 1982 م) تنها چند ماه قبل از تجاوز نظامی به لبنان پیشنهاد گردید. اما این جنگ عاقبت خوشی برای اشغالگران صهیونیست نداشت، و نظامیان صهیونیست پس از 2 دهه اشغال جنوب لبنان عاقبت در آستانه سال 2000 م عقب نشینی کردند ولی منطقه "شعبا" در جنوب همچنان در ارتش رژیم صهیونیستی باقی مانده است. (26)

ادامه اشغال شعبا، بلندبهای جولان و چشمداشت به کرانه های شرقی رود اردن صرفنظر از "توسعه طلبی" به معنای تمایل رژیم صهیونیستی بر استمرار بحران در منطقه است این رژیم بدلیل خاصیت بحران زائی زمینه ای برای پذیرش صلح ندارد، و قراردادهایی نظیر اسلو (1993 م) را باید به حساب یک اضطرار و به عبارت صحیح "ناکتیکی زیرکانه" نهاد. بخصوص که در جریان انتفاضه روند همگرایی کشورهای اسلامی علیه صهیونیسم قوت یافت و همچنین شبهاتی میان یهودیان آمریکا بعنوان حامیان صهیونیسم در صحت سیاست اسرائیل پدید آمد. البته سابقه این شبهات به اختلاف نظر میان رهبران صهیونیسم جهانی در 1920 م به کنفرانس لندن باز می گردد. (27)

مذاکرات صلح :

بنابراین رژیم صهیونیستی برای رفع هرگونه شبهه و هماهنگ با سیاست (enlargement) = توسعه که از سوی کاخ سفید بعنوان استراتژی دوران انتقال، پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد اعلام شده است، باید نقش خود را ایفا کند. در ایفاء این نقش؛ (صلح) نه به معنای پایان حالت جنگی بلکه به معنای تحوّل نوع روابط است، رژیم صهیونیستی باید به برقراری روابط دیپلماتیک و پروژه های اقتصادی روی آورد.

دیپلماسی توسعه از نوع اسرائیلی، به معنای به پای میز مذاکره کشیدن طرف فلسطینی و استمهال در داخل، جهت امضاء قراردادهای اقتصادی با جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز و شاید ترکیه در خارج است. البته در این دیپلماسی آمریکا مایل است ترکیه نقش ویژه ای ایفا نماید. زیرا این کشور به اعتبار هم مرز

بودن با ایران، سوریه، عراق جزئی از استراتژی (Containment = سد نفوذ) توسط ایالات متحده در نظر گرفته شده است. (28)

استراتژی حضور آمریکا در منطقه :

در راستای سیاست اخیر، واشنگتن می کوشد جلو نفوذ قدرتهای تاثیر گذار منطقه را بر تغییرات سیاسی بگیرد و با وارد آوردن فشار به کشور های عرب نشین همسایه رژیم صهیونیستی، توان خود را در رفع نزاع بین اعراب و اسرائیل بالا برد، و با تحقق صلح اسرائیلی، ابتکار عمل را در خاورمیانه به دست آورد. (هلال، د.ت/98-192)

در طرح صلح، آمریکا پس از فروپاشی بلوک شرق (1989 م) در چارچوب نظام تک قطبی به دنبال حفظ بازار بزرگ تسلیحات "خاورمیانه" و تسلط بر منابع انرژی (نفت و گاز) منطقه است. ایالات متحده با قرار دادن رئالیزم ماکیاوول (29) در اصول سیاست خارجی خود و براساس نگرش انسان مدرن تعریف خاصی از (منافع ملی) دارد و این منافع باعث حضور آمریکا در خاورمیانه است.

حضور در منطقه یک امتیاز استراتژیک و موثر در معادلات سیاسی و چانه زنی های بین المللی (مذاکرات) و اهرم فشار بر منطقه است. و همین امتیاز حضور در منطقه به عنوان برگ برنده رژیم صهیونیستی نیز هست. این رژیم با استفاده از حضور نامشروع خود و حمایت های بین المللی از قدرت چانه زنی بالا برخوردار است، و در عمل هم ثابت شده که بحران منطقه راه حلی در مذاکرات صلح نمی یابد.

س 2: اما مذاکرات صلح در استراتژی یهود سازی چه جایی دارد؟

دکترین صلح در برابر زمین به ابتکار رایین - پرز نخست وزیران اسبق رژیم صهیونیستی به عنوان تاکتیک موفق حزب کارگر مدتها است که همّت برخی از سران فلسطینی را به خود گمارده است و به این

وسیله رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی، ظاهری غیر متصلب و واقع گرایانه به خود گرفته و توانسته ناتوانی سیاست "توسعه محض" را در سیاست خارجی به حداقل رساند.

توسعه طلبی گام به گام :

به این ترتیب هرگاه شرایط خاورمیانه و بین المللی اندکی از بحران فاصله یابد، به گونه ای که صهیونیستها نتوانند توسعه طلبی خود را به صورت "محض" و با تصلبی آهین دنبال کنند، توسعه گام به گام حزب کارگر که حایز امتیازاتی گردیده است (1993 م توافقنامه اسلو) وارد عمل می شود.

این حزب حاصل اتحاد سه حزب (مپای، احدوت همعفودا، بوعالی تسیون) است، که رسماً در 1986م اعلام موجودیت نمود. در این میان سابقه کار حزب (بوعالی تسیون) به دهه های اول و دوم قرن بیستم باز می گردد. اعضاء شاخه نظامی این حزب که دومین گروه مهاجران یهودی به فلسطین بودند به منظور حفاظت از شهرکهای یهودی اساس سازمانهای تروریستی اسرائیل را بنا نهادند. (شوفانی/340. مصالحه/41) شهرک نشینان یا حمایت و پشتیبانی این افراد مسلح موفق به بیرون راندن و تصرف زمینهای بسیاری از فلسطینیان شدند، و در نتیجه تصرف اراضی، با اعمال قدرت شبه نظامیان حزب کارگر، پروژه تقسیم فلسطین در سالهای پایانی دهه 30 م (ژولای 1937 م) مطرح گردید.

این پروژه نخستین طرح مسالمت جویی صهیونیستها بود که در پی تصرف مناطق ممتاز جغرافیایی و اقتصادی شمال و غرب و سواحل مدیترانه تا جنوب یافا مطرح شد، و در آن کوچاندن بیش از 325000 عرب فلسطینی ساکن مناطق اشغالی به منظور یهودی سازی آن پیش بینی گردید.

این پروژه در محافل صهیونیستی با برداشت دوگانه ای روبرو شد. صهیونیستهای آمریکا از آن حمایت کردند و در همین موضع وایزمن و بن گوریون (30) برپائی کیان صهیونیستی را در حداقل وسعت ایده آل موفقیتی سیاسی می دانستند. اما دیگر صاحب نظران صهیونیست در سازمان وکالت یهودیان قائل به محدودیت نبوده و سراسر فلسطین را گستره عملیات شهرک سازی و مهاجر پذیری می شمردند و تشکیل

دولت یهودی را در حدود پروژه تقسیم دهه 30م مخالف استراتژی توسعه دانسته و آن را مردود شمردند، و به این ترتیب مجال ادامه توسعه اراضی اشغالی فراهم آمد.

توسعه طلبی اخیر که پشتوانه طراحان پروژه های مسالمت جویی است، در دهه 90 م قرن بیستم در سیاستگذاری حزب لیکود رخ نمود.

این حزب در 1973 م (سال بحران انرژی جهان در اثر جنگ اعراب و اسرائیل) با هدف ایجاد یک تشکل پارلمانی با جهتگیری راست در برابر حزب کارگر توسط آریل شارون تاسیس شد. و پس از شکست حزب کارگر در مه 1977 م قدرت را به مدت 15 سال به دست گرفت.

توطئه شهرک سازی :

دوره دوم حکومت لیکود در قرن بیستم از 1996 م به مدت 3 سال بود و در خلال اقتدار آن پروژه شهرک سازی در مناطق اشغالی (پس از جنگ 1967م) به منظور تضمین سیاست توسعه محض به طور جدی پیگیری شد. (مصالحه/6-94) در طول دو دوره حکومت لیکود طی سالهای 1977 م تا 1984م برای ساخت شهرکهای صهیونیست نشین در کرانه باختری و نوار غزه بیش از یک میلیارد دلار هزینه شد، و با افزایش مهاجرت، تعداد ساکنان شهرکها 20000 نفر فزونی یافته و بالغ بر 160000 نفر گردید.

در همین راستا مصادره حکومتی اراضی اعمال شد، با وجود آن روند شهرک سازی در دیگر مناطق اشغالی نظیر بلندیهای جولان ادامه یافته و حداقل 40 شهرک صهیونیست نشین احداث گردید.

اهمیت وجود شهرکها صرفنظر از اسکان مهاجران در نقش استراتژیک آنهاست، زیرا در صورت هرگونه توافق صلح در برابر زمین، کار برچیدن شهرکها و کوچ ساکنان صهیونیست آن مدتی به طول انجامیده، و در طول همین مدت رژیم صهیونیستی هماهنگ با سیاست توسعه محض تدبیری می اندیشد.

با تغییر کابینه رژیم صهیونیستی در 1992 م جهت کاهش فشار مجامع غربی و پس از رایزنیهای مکرر با واشنگتن توافقهایی در اسلو (1993م) صورت گرفت.

مفاد توافقنامه دایر بر خروج تدریجی صهیونیستها (ظرف مدت 5 سال) از کرانه باختری و نوار غزه و همچنین بازگشت آوارگان و ... بود. در حالیکه رابین پس از امضاء آن تمام تلاش خود را در تقویت شهرکهای صهیونیست نشین کرانه غربی به کار بست، او با اختصاص 320 میلیون دلار جهت تکمیل کردن پروژه ی راه ها در شهرک های صهیونیست نشین (1995م) و موافقت با احداث 8000 واحد مسکونی در شهرک واقع در میان راه قدس واریحا (در کرانه باختری) در همان سال و مصادره و واگذاری اراضی 4000 فلسطینی به 20000 شهرک نشین که درصدد توسعه شهرک خود بودند(1996م) "استراتژی توسعه" را پی گرفت.

استراتژی یهودی سازی :

عملکرد رژیم صهیونیستی در دوره حکومت مجدد لیکود (1996 م – 1999 م) جهت توسعه اراضی اشغالی و یهودی سازی ادامه یافت، و علیرغم امضاء قراردادهای (الخلیل)(1997م) و (وای ریور)(1998م) نتانیاهاو بر توسعه شهرک سازی در کرانه باختری و قدس شرقی پای فشرده ، چنانکه در اکتبر 1999م نیز با احداث 1000 واحد مسکونی در شهرکهای واقع در کرانه باختری و نوار غزه و در ماه نوامبر با احداث 13 راه مواصلاتی موافقت نمود که مصادره بخشهای بزرگی از اراضی فلسطینیان را در پی داشت. با این ترتیب رژیم صهیونیستی تنها از زمان امضاء قرارداد(وای ریور) در ارتفاعات قریب به مناطق خودگردان 17 شهرک مشرف بر کرانه باختری احداث کرد ، که طبق برنامه تعداد شهرک نشینان کرانه باختری به 200 هزار نفر افزایش یافته و مناطق خودگردان در حصار شهروندان صهیونیست قرار گیرد. با اینحال براساس اسناد سری رژیم صهیونیستی(همان/128) (ژوئن 1996م: The observer) پروژه یهودی سازی بیت المقدس کماکان در اولویت برنامه های توسعه بوده است و نتانیاهاو جهت کاهش ساکنان فلسطینی قدس شرقی به حداقل ممکن برنامه هائی تدارک نمود .

بر همین اساس ،مجدد تغییر کابینه در مه 1999 م باراک در سخنرانی خود پس از پیروزی در انتخابات بر حفظ خطوط قرمز امنیتی تاکید کرد که حاکمیت ابدی رژیم صهیونیستی بر قدس و باقی ماندن نیروهای

این رژیم در مناطق اشغالی (پس از 1967م) تحت هر شرایطی، و اعمال حاکمیت بر شهروندان صهیونیست مقیم کرانه باختری از آن جمله است.

دیدار آخرین رئیس کابینه رژیم صهیونیستی از مسجدالاقصی در آستانه هزاره سوم (سپتامبر 2000) فصل متفاوتی در پروژه یهودی سازی گشود و این پروژه را با چالشی جدی تر از سابق روبرو نمود. مانور حزب لیکود با حضور شارون در مسجدالاقصی که جهت عادی سازی ورود صهیونیستها به ساحت مقدسات مسلمانان و به منظور قبضه کردن بیت المقدس انجام گردید، کارگر نیافتاد و با مقاومت جدی فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی مواجه گردید، و انتفاضه مسجد الاقصی شکل گرفت.

س3: انتفاضه مسجد الاقصی بر پروژه های یهودی سازی چه تاثیری نهاد؟

با نگاهی مجدد به عملکرد رژیم صهیونیستی در دهه 90 قرن بیستم به روشنی در می یابیم که این رژیم با شرکت در مذاکرات صلح و امضاء قراردادهای متعدد برای حفظ ظاهر دیپلماتیک نزد مجامع بین المللی تلاش مضاعف نمود و با دادن امتیازات ناقص و نافرجام به طرف فلسطینی توانست تلقی جدیدی از بحران در اراضی اشغالی بوجود آورد و قضیه فلسطین را در اغلب محافل سیاسی خارجی به عنوان مشکل داخلی جلوه دهد تا هرگونه اقدامی در جهت حل مشکل طرف فلسطینی و عموم ساکنان عرب اراضی اشغالی با هماهنگی صهیونیستها اعمال شود. به این وسیله این رژیم توانست از بین المللی شدن بحران فلسطین و ایفاء نقش مثبت و موثر کشورهای اسلامی (جز در موارد بسیار محدود) جلوگیری کند، و با جلب حمایت سیاستمداران کشورهای غربی پس از هرگام در مذاکرات صلح گام بلندی در یهود سازی مناطق اشغالی بردارد و اهداف سیاست توسعه گام به گام را تحقق بخشد.

رژیم صهیونیستی با تدبیر توسعه گام به گام به کلیه عملیات نظامی خود در مناطق اشغالی اعتبار سیاسی بخشید و به این اعتبار شارون به مسجد الاقصی قدم گذاشت با این فرض که عکس العمل فلسطینیان هرچه باشد به سود رژیم صهیونیستی خواهد بود و مجال توسعه اراضی اشغالی و سرکوب فلسطینیان از دست نخواهد رفت.

رژیم صهیونیستی همزمان با مقاومت فلسطینیان و شکل گیری انتفاضه مسجدالاقصی جهت اعمال خشونت بی حد و حصر فرصت کافی یافت و شارون که قبلا ارتکاب به جنایاتی نظیر کشتار در اردوگاههای فلسطینی (صبرا و شتیلا: 16-18 سپتامبر 1982م) را تجربه کرده بود، نظامیان صهیونیست را در هدف قرار دادن فلسطینیان کاملا آزاد گذاشت. آنان در مقابل فلسطینیان از هر نوع سلاح گرم اعم از: اسلحه های خودکار، تانک، هلیکوپتر های توپدار و ... استفاده کردند، اما نتوانستند شعله های انتفاضه مسجد الاقصی را خاموش کنند.

اهمیت نهضت مسجد الاقصی :

رژیم صهیونیستی در این مدت به تدریج ظاهر مسالمت جوی خود را کنار نهاده و نقاب از جنگ طلبی برداشت که در محافل بین المللی اظهارات متفاوت با دهه 90 م را در مورد بحران فلسطین برانگیخت. پس اغلب کشورهای مستقل جهان (اروپا، شرق آسیا، خاورمیانه عربی و ...) دریافته اند که این رژیم بهیچوجه سر سازش ندارد و انتفاضه مسجدالاقصی توانست بار دیگر توجه محافل بین المللی را به بحران فلسطین جلب کند، و اعتناء مضاعف خاورمیانه عربی را موجب گردد، با وجود این نتیجه قطعی مقاومت فلسطینیان در انتفاضه مسجد الاقصی ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی در قبضه کردن بیت المقدس و یهودی سازی مسجدالاقصی بود

س 4: انتفاضه مسجد الاقصی چه ماهیتی داشته و تحت تاثیر چه عواملی شکل گرفت؟

این انتفاضه به حکم براءت عموم مسلمانان از حضور یک صهیونیست پلید در ساحت مقدس مسجدالاقصی از جنس قیامهای مردمی و دارای هویت اسلامی است.

انقلاب سنگ :

بر اساس تاریخ مکتوب انتفاضه فلسطین (ثوره الحجاره 1987 م) ملت فلسطین در دهه های پایانی قرن بیستم شاهد ستیزه جوئی صهیونیستها با شعائر دین مبین اسلام بودند. آشکارترین رفتار خصمانه صهیونیستها و بی حرمتی نسبت به شعائر اسلامی از دهه 60م با سوزانیدن منبر صلاح الدین ایوبی که در مسجد الاقصی قرار داشت، آغاز شد (1969 م) که تظاهرات جمعی از فلسطینیان را در پی داشت. بار دیگر نظامیان صهیونیست به بیت المقدس یورش برده به روی نمازگزاران مسجد الاقصی آتش گشودند، آنان بارها در صدد انهدام بناء مسجد الاقصی برآمدند. (جباره، 1992 م/7-36)

انقلاب مساجد :

در 1982 م یک سرباز صهیونیست با انجام عملیات تروریستی در مسجد الاقصی باعث کشته شدن جمعی از مسلمانان و آتش سوزی در بیت المقدس گردید، او با حمایت نظامیان صهیونیست از معرکه گریخت. در پی این اقدام، مسلمانان فلسطینی تظاهرات گسترده ای را از مبداء مساجد سرزمینهای اشغالی ترتیب دادند (ثوره المساجد: 1982 م).

همزمان با آغاز سال 1988 م و با گذشت یک سال از (انتفاضه نخست) رژیم صهیونیستی با دریافت بیداری اسلامی میان فلسطینیان به عملیات خود علیه شعائر اسلامی شدت بخشید. نظامیان صهیونیست با محاصره مساجد، اعمال محدودیت، خشونت، ضرب و شتم و مصادره اموال مساجد جهت کاستن تعداد نمازگزاران مسجد الاقصی، بیت المقدس و مساجد دیگر سرزمینهای اشغالی و جلوگیری از تجمعات مسلمانان تلاش فراوان کردند.

بستن مساجد، تعرض به ائمه جماعت و مفتی قدس، آتش زدن مسجد الاقصی و قدس، وارد شدن دستجات صهیونیست به مسجد الاقصی و بیت المقدس و جسارتهای فراوان نسبت به قرآن کریم در مساجد از دیگر اقدامات رژیم صهیونیستی در این مدت بود. این بی حرمتی نامحدود و خشونت افسار گسیخته روز بروز شدت یافت و با حضور شارون در مسجد الاقصی (سپتامبر 2000 م) به غایت رسید.

شارون در ستیزه جوئی با فلسطینیان سرآمد همقطاران صهیونیست خود بوده و گوی سبقت را ربود. او در 1953 م فرمانده عملیات نظامیان صهیونیست در روستائی واقع در کرانه باختری (روستای قبیله) بود که در تهاجمی شبانه 50 منزل مسکونی را منهدم کرده و 69 مرد و زن و کودک را قتل عام کردند. وی در 1970 م در بیرون راندن فلسطینیان از نوار غزه و اشغال آن نقش موثری ایفا کرد.

شارون در 1982 م در سمت وزیر دفاع رژیم اشغالگر تجاوز به لبنان و کشتار صدها فلسطینی مقیم اردوگاه بیروت را به دست شبه نظامیان مزدور صهیونیستی طراحی نمود. او در 1995 پروژه اسکان مهاجران روسی را در حکومت شامیر سامان بخشید. وی در 1998 م در سمت وزیر امور خارجه شهرک نشینان صهیونیست را به تهاجم و اشغال وسیعتر اراضی فلسطینیان در کرانه باختری فراخواند و با قرار گرفتن در سمت رئیس کابینه رژیم صهیونیستی درصدد بازپس گیری اقلّ قلیل قراردادهای سازش برآمد...

با این وصف شارون در سپتامبر 2000 م نتوانست پروژه قبضه کردن قدس شرقی و استیلاء بر حرم ابراهیمی، مسجد الاقصی، بیت المقدس و سایر اماکن اسلامی را تحقق بخشد، و با حضور در مسجد الاقصی زمینه انتفاضه مسجد الاقصی و شکست طرح "حاکمیت رژیم صهیونیستی بر قدس" را فراهم کرد.

برائت از شارون به عنوان عامل نخست انتفاضه مسجد الاقصی روحیه صهیونیست ستیزی عموم فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی را تقویت نمود.

عامل دوم انتفاضه مسجد الاقصی شکست تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال جنوب است که پس از قریب 2 دهه مقاومت حزب الله و با تدبیر رهبر فرزانه حزب الله لبنان منجر به عقب نشینی اشغالگران صهیونیست از جنوب لبنان و فروپاشی سازماندهی مزدوران شبه نظامی رژیم صهیونیستی (نیروهای لحد) گردید. این تجربه موفق که فرسایش پذیری نیروهای رژیم صهیونیستی را اثبات نمود، امید به فرجام سعید مقاومت فلسطینیان را در انتفاضه مسجد الاقصی افزایش داد.

سومین عامل موثر در شکل گیری انتفاضه مسجد الاقصی تجربه (انتفاضه نخست) (1987 م) است. فلسطینیان در طول 13 سال مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست توانائی اداره مدنی را در شرایط انتفاضه کسب کرده و ثنّدت ادامه حیات را در شرایط انتفاضه مسجد الاقصی به دست آورده اند، در صورتی

که ادامه این شرایط به تدریج باعث کاهش توان جنگی نظامیان صهیونیست شده و رفته رفته توانایی آنان را در سرکوب فلسطینیان تحلیل می برد.

س5: نحوه تعامل گروههای مبارز فلسطینی در انتفاضه مسجدالاقصی چگونه بود؟

انتفاضه مسجدالاقصی وارث مقاومت فلسطینیان است که چندین دهه طول کشیده، و نمودهائی از آن در مبارزات سازمان یافته علیه رژیم صهیونیستی ظهور کرد.

سازمان های فلسطینی :

زمینه تشکیل سازمان های فلسطینی پس از جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی (1956م) فراهم گردید. در 1959م "جنبش فتح" (حرکه التحریر الوطنی الفلستینی) اقدامات خود را با انتشار روزنامه (فلسطین ما) آغاز کرد که مطالب آن اندیشه قیام را برای برپایی حکومت فلسطین در بر داشت، این جنبش با اعتقاد به مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست در 1965م موجودیت نظامی خود را اعلام نمود. جنبش فتح طی انتفاضه مسجدالاقصی چندین عملیات موفق علیه رژیم صهیونیستی انجام داد .

در همین سالها سیاستمداران کشورهای خطّ مقدم نبرد با رژیم اشغالگر ضرورت حضور سازمان یافته و نظامی فلسطینیان را کنار خود دریافتند، و اقداماتی جهت سازماندهی ملت فلسطین انجام دادند. در سپتامبر 1964م کنفرانس ملی فلسطین در قدس تشکیل شد (28 مه 1964م). در روز اول کنفرانس احمد شقیری برنامه تاسیس (سازمان آزادیبخش فلسطین): ساف (منظمه التحریر الفلستینیة: م.ت.ف) را اعلام نمود که حاوی میثاق ملی و اساسنامه سازمان بود و سپس با ارسال تلگراف تاسیس این سازمان را به اطلاع دبیر کل سازمان ملل رساند.

این سازمان برای نمایندگی از ملت فلسطین در جامعه عرب، سازمان ملل، سازمانهای مختلف، کنفرانسهای رسمی و ملی معین گردید، و انحصار حق نمایندگی و سازماندهی و سخنگو بودن از طرف ملت فلسطین به عنوان امتیاز آن مقرر گردید.

از آن پس سازمان آزادیبخش فلسطین با ایجاد واحد های نظامی که بعد ها (ارتش آزادیبخش فلسطین) نام گرفت، با استفاده از فضای همبستگی عربی و آمادگی ملت فلسطین در شکل پذیری و سازمان یابی در نبردهای کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی (1967م، 1973م) کنار آنان قرار گرفت، چنانکه در مذاکرات: 1968م تشکیل یک کشور دمکراتیک در فلسطین، 1974م تعیین سازمان ملل به عنوان عضو ناظر، 1977م تایید بیانیه مشترک اتحاد جماهیر شوروی سابق و آمریکا در خصوص فلسطین، 1982م موافقت با طرح فاس، 1989م موافقت با طرح 5 ماده ای جیمزبیکر (وزیر خارجه وقت آمریکا) و طرح 10 ماده ای رییس جمهور حسنی مبارک، 1990م استقبال از دعوت جرج بوش [پدر] برای صلح، 1991م شرکت در کنفرانس مادرید در قالب هیات مشترک اردنی - فلسطینی، و سرانجام امضاء قرارداد غزه-اریحا در 1993م (توافقنامه اسلو) به نحو مذکور شرکت نمود.

این سازمان در قالب تشکیلات خودگردان با سیاست اعمال فشار مقطعی بر رژیم اشغالگر یا سازمانهای فلسطینی دیگر و با اعتقاد به اصالت مذاکره با رژیم صهیونیستی در انتفاضه مسجدالاقصی حضور یافت. پس از تحولات دهه 70م و پیروزی انقلاب اسلامی ایران 1979م که در صحنه بین المللی تاثیر شگرفی بر معادله قوانهاده و در خاورمیانه سبب شکل گیری جریانهای جدید گردید، " جنبش جهاد اسلامی فلسطین " شکل گرفت. این جنبش علیرغم گرایشات متفاوت داخلی با شدت و ضعف و امدار افکار 4 شخصیت مسلمان عبارت از: شیخ عزالدین قسام، سید قطب، استاد حسن البنا، امام خمینی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران رحمه الله علیهم اجمعین می باشد.

از جمله اعضاء فعال جنبش جهاد اسلامی در فلسطین: شهید دکتر فتحی شقاقی، شیخ عبدالعزیز عوده بوده و محور فعالیت جنبش اهتمام به قضیه فلسطین با نگاه جدید اسلامی است.

حضور این جنبش در انتفاضه نخست (8 دسامبر 1987م) در نوار غزه چشمگیر بود. جهاد اسلامی در انتفاضه مسجدالاقصی حضور جدی داشت .

همزمان یا تشدید روند مقاومت اسلامی فلسطینیان و آغاز (انتفاضه نخست) "جنبش مقاومت اسلامی فلسطین" (حرکه المقاومه الاسلامی) "حماس" با صدور نخستین اعلامیه در 14 دسامبر 1987م اعلام موجودیت نمود.

این جنبش با پشتوانه فکری جماعت اخوان المسلمین (شیخ محمد عبده:مصر) و حضور راهبردی روحانی مصلح شیخ احمد یاسین و با طرح جهادی - اسلامی برای آزاد سازی فلسطین در 1981م سازمان یافت. نخستین درگیری جدی آن، دستگیری رهبر روحانی جنبش توسط نیروهای اشغالگر در 1983م بود. شیخ احمد یاسین در 1989م بار دوم توسط نیروهای رژیم صهیونیستی دستگیر و مدت 8 سال زندانی بود.

شاخه نظامی جنبش حماس با فرماندهی شیخ صلاح شحاده در 1987م فعالیت خود را آغاز کرد. وطنی (انتفاضه نخست) عملیات موفق بسیاری بر ضد مواضع رژیم اشغالگر انجام داد. این جنبش در انتفاضه مسجدالاقصی علاوه بر عملیات مسلحانه ابتکار عملیات شهادت طلبانه را در برنامه های خود علیه رژیم اشغالگر قرار داد.

گروه دیگری که طی انتفاضه مسجد الاقصی چندین عملیات موفق علیه نیروهای اشغالگر انجام داده (جبهه خلق برای آزادی فلسطین) "الجبهه الشعبیه" بود چنانکه این جبهه در (انتفاضه نخست) نیز حضور چشمگیری داشت و شاخه فرماندهی کل (به رهبری احمد جبرئیل) در تعامل با جنبش مقاومت اسلامی در عملیات مبادله اسرا باعث آزادی شیخ احمد یاسین رهبر روحانی حماس در جمع سایرین از زندان رژیم صهیونیستی در سال 1985م گردید.

نتیجه گیری:

با اعلام موجودیت کیان صهیونیستی و در اثناء جنگهای 1948م، 1956م، 1967م نظامیان صهیونیست مناطق بسیاری را اشغال کرده و همزمان شهرکهای صهیونیست نشین برای اسکان مهاجران احداث گردید. رژیم صهیونیستی در این جنگها با توسعه اراضی اشغالی تا خارج از مرزهای فلسطین اشغالی روند توسعه طلبی را تا بلندیهای جولان سوریه گسترش داده و در 1982 م جنوب لبنان را اشغال نمود. این توسعه طلبی باعث توجه محافل بین المللی به بحران فلسطین اشغالی گردید.

از همین رو رژیم صهیونیستی برای منصرف کردن توجه سیاستمداران غربی از مشکل فلسطینی و حفظ ظاهر دیپلماتیک نزد مجامع بین المللی، هماهنگ با سیاست توسعه از سوی کاخ سفید از تاکتیک جدید مذاکرات صلح بهره جست و از سوی دیگر با ادامه اشغال اراضی فلسطینیان در خلال جریان مذاکرات شهرک سازی و مهاجر پذیری به روند یهودی سازی مناطق اشغالی شتاب بخشید و پروژه قبضه کردن بیت المقدس را در دستور کار قرار داد. اما حضور شارون در مسجدالاقصی سپتامبر 2000م این پروژه را با چالشی جدی تر از سابق روبرو نمود. و فلسطینیان با اعلام براءت از حضور وی در مسجد الاقصی قیامی مردمی را با ماهیت اسلامی شکل دادند. و با مقاومت مضاعف در برابر بی حرمتی نامحدود و خشونت افسار گسیخته رژیم صهیونیستی که از دهه 60 قرن بیستم میلادی آشکار شده و طی انتفاضه نخست (1987م) ادامه یافت، طرح یهودی سازی مسجدالاقصی را ناکام گذاشتند.

انتفاضه مسجدالاقصی که در پی اعلام براءت از حضور شارون در مسجد الاقصی شکل گرفت روحیه صهیونیست ستیزی عموم فلسطینیان ساکن اراضی اشغالی را تقویت نمود و ملت فلسطین با استفاده از تجربه موفق مقاومت حزب الله در جنوب لبنان فرسایش پذیری نیروهای رژیم صهیونیستی را دریافته و با بهره مندی از 13 سال مقاومت در طول انتفاضه نخست توانائی اداره مدنی در شرایط انتفاضه کسب کردند و قدرت ادامه حیات را در شرایط انتفاضه مسجدالاقصی به دست آوردند.

این انتفاضه به حکم ماهیت مردمی مقاومت عموم فلسطینیان از جمله گروههای مبارز فلسطینی را با خود داشت و سابقه ی نیکی در مقاومت اسلامی ملت فلسطین برجای نهاد.

پی نوشت :

- 1- یهودیان پس از ویرانی بناء هیکل برای دومین بار؛ آن را "ایرتس -یسرائیل" یعنی سرزمین اسرائیل می خواندند.(شوفانی، 1996 م/8. فلسطین تاریخها و قضیتها، 1983 م/6)
- 2- نام "یروشالایم" در تورات به زبان عبری به همین معناست.(شوفانی/8)
- 3- کوه صهیون در جنوب غربی شهر قدس به اعتقاد یهودیان مزار داود نبی (علی نبینا و آله و علیه السلام) است. در قرن نوزدهم میلادی جنبش سیاسی یهودیان اروپا (صهیونیسم) نام گرفت که مشتق از همین کلمه است. در عصر حاضر روزنامه نگار یهودی اتریشی الاصل ناثان بیرنباوم(1937 - 1863م) این اصلاح را برای توصیف جنبش سیاسی به کار برد، که یهودیان جهان را به مهاجرت به فلسطین و اسکان در آن فرا می خواند.(شوفانی /309) منابع دیگر این روزنامه نگار اتریشی را تئودور هرتزل (1904 - 1860م) می دانند. (فلسطین تاریخها و قضیتها/25)
- 4- این معبد به امر قسطنطین، امپراطور روم شرقی و تحت تاثیر مادرش ملکه هلن در قرن چهارم میلادی بر روی قبر موهوم حضرت مسیح(علی نبینا و آله و علیه السلام) ساخته شد و صلیبی ها آن را در سالهای 1130 م ، 1149 م تجدید بنا کردند.(شوفانی / 143. فلسطین تاریخها و قضیتها/7. جرار، 1992 م/30)
- 5- الاقصی یکی از دو مسجد واقع در مکان مقدس مسلمانان موسوم به حرم شریف است که نزد یهودیان نیز از تقدس برخوردار است. صهیونیستها بیت المقدس شرقی را که این مکانهای مقدس در آن واقع است در جنگ 1967م به تصرف خود درآوردند ، و در اقدامی که مخالفتهای بین المللی را برانگیخت این شهر را به متصرفات خود ضمیمه کردند. اخیرا در پی دیدار شارون(نخست وزیر رژیم صهیونیستی) از مسجد الاقصی در 28 سپتامبر سال 2000 میلادی مقاومت مسلمانان فلسطینی با عنوان انتفاضه مسجد الاقصی شکل گرفته است./م
- 6- براق نام مرکبی است که رسول خدا(صلی ... علیه و آله) با آن به معراج رفتند. این دیوار از آن رو براق نام گرفته است که حضرتش در شب اسراء مرکوب خود را در زاویه ای از آن بسته بودند. این دیوار در

غرب حرم شریف قدس قرار دارد. یهودیان این دیوار را (فوتال مارافی) و مسیحیان آن را (دیوار ندبه) می خوانند و معتقدند آن دیوار هیکل سلیمان نبی (علی نبیتنا و اله و علیه السلام) است آنان کنار این دیوار می ایستند و مرثیه های حضرت ارمیا را می خوانند. نیایش یهودیان و مسیحیان در این محل همواره صورت می گرفت. اما درگیری 23 سپتامبر 1928 م بین مسلمانان فلسطینی و یهودیان بر موضوع حائط البراق از آن رو بود که یهودیان با آویختن پرده ای بر دیوار براق آن را به معبد یهودیان تبدیل کرده بودند، اما به اعتقاد مسلمانان دیوار براق جزء حرم قدس شریف و مکانی اسلامی است. شوفانی/433. جرار 1992 م / 37 - 36. زعتر، ترجمه هاشمی رفسنجانی، لاتا 48/ الخالدی، 2001 م / 2-3)

7- در بیت المقدس و شهرهایی چون بیت لحم (محل تولد عیسی مسیح (ع)) و ناصره (محل ظهور مسیح (ع)) و پیدایش مسیحیت) معابد مشهوری از جمله: القيامة، الصعود، المهد، البشاره وجود دارد که این سرزمین را مهد سه دین بزرگ الهی قرار داده است. در سالهای اخیر (قرن بیستم) صهیونیستها در تخریب اماکن مسلمانان و از بین بردن آثار اسلامی سعی وافر نموده اند. چنانکه به بهانه ترمیم هیکل سلیمان نبی (ع) تونلهایی زیر ساختمان قدس شریف حفر کردند و اعتقاد دارند که هیکل در محل نامعلومی زیر سنگفرش حیاط قدس شریف قرار دارد. (شوفانی /143. الخالدی 3)

8- الکسیوس کومنیئوس (1118 - 1081 م). او از اقتدار سلجوقیان بیمناک بود. و قابل توجه آنکه زمانی که الحاکم بامرالله دستور از بین بردن و ویرانی معبد قیامت و الصعود را صادر کرد، مسیحیان بیزانس برای نجات قبر (موهوم) مسیح هیچ کوششی نکردند. (شوفانی/190)

9- این حمله در 1099 روی داد. (شوفانی/196)

10- حمله ششم در 1229 م روی داد. (العبادی، 1995 م / 75)

11- از جمله ایشان صلاح الدین ایوبی (564-589 ه / 1169 - 1193 م)، السلطان الظاهر

ببیرس (676 - 658 ه / 1277 - 1260 م)، السلطان المنصور سیف الدین قلاوون (689 - 678

ه / 1290 - 1279 م) بودند. (العبادی/237 - 45)

12- علی‌رغم آنکه این اصطلاح مفهوم اسم فاعل را به ذهن می‌رساند، اما درباره سرزمینهایی به کار می‌رود که پذیرای شهروندان کشور استعمارگر است. خصوصیت این شهروندان آن است که به نحوی مورد بی‌مهری جامعه خویش یا باعث برانگیختن قهر قانونی آن شده‌اند، اما ایشان در مستعمره حایز امتیازاتی می‌گردند. (اداره حکومت مستعمره نشین در استعمار قدیم به دست کشورهای استعماری بود).

13- این قرار داد که با مضمون تقسیم سرزمینهای بجا مانده از فروپاشی امپراطوری عثمانی بین نمایندگان انگلستان و فرانسه به امضا رسیده سالها قبل از قضیه تحت‌الحمایگی فلسطین مورد توافق طرفین واقع گردید و نسخه‌ای از آن در اسناد وزارت امور خارجه روسیه توسط بلشویکها افشا شد. (الدیراوی، 1992 م / 427. شوفانی / 350. فلسطین تاریخها و قضیتها / 33-32)

14- اعلام رسمی تحت‌الحمایگی فلسطین از طرف جامعه ملل پس از امضای پیمان صلح لوزان در ژولای 1922 م صورت پذیرفت. / م

15- این صندوق اکنون نیز وظیفه جمع‌آوری کمکهای یهویان را در سطح جهانی بر عهده دارد. تاریخ چاپ کتاب 1983 م (فلسطین تاریخها و قضیتها / 48. شوفانی / 396-390)

16- از جمله ابزارهای مهم این سازمان صرفنظر از "صندوق تاسیسی"، "صندوق ودیعه یهود" و "صندوق ملی یهود" بود که وظیفه یهودی کردن زمینها و اقتصاد را بر عهده داشتند (شوفانی / 397. فلسطین تاریخها و قضیتها / 39 - 137)

17- مجموع مساحت زمینهای تحت اختیار "صندوق ملی یهود" در 1948 م معادل 59، 6٪ از کل اراضی فلسطین بود. (شوفانی / 401. فلسطین تاریخها و قضیتها / 138)

18- بر اساس قانون نظام وظیفه رژیم صهیونیستی، مردان به مدت 3 سال و زنان 19 ماه باید دوره خدمت سربازی را طی کنند. همچنین مردان تا سن 49 سالگی به طور متناوب جلسات آموزش نظامی یک ماهه طی می‌کنند. مضافاً اینکه هر ساله حدود 3 هزار یهودی افراطی به دلیل تلمذ در مدارس دینی یهود از خدمت سربازی معاف بودند که در پی صدور دستور دیوانعالی اسرائیل به

- مجلس خدمت وظیفه عمومی برای این یهودیان افراتی اجرا می شود.(البته این تمهیدات خشم اسرائیلی های لائیک را بر انگیزته است).(شوفانی 397، فلاح، 1993 م/51)
- 19- شرق بیت المقدس که به شهر قدیم معروف است تا ان زمان در تصرف ارتش اردن قرار داشت/م.
- 20- تجاوزات نظامیان صهیونیست در داخل فلسطین از 1947م روند صعودی به خود گرفت و آنها شهرها و روستاهای بسیاری را به اشغال خود درآوردند.در پی دیدار شارون از مسجد الاقصی (سپتامبر 2000) که به آغاز انتفاضه مسجد الاقصی انجامید، این اشغالگری شکل جدیدی به خود گرفت و نیروهای رژیم صهیونیستی مکررا مناطق خودگردان (توافقنامه اسلو) را مورد تهدید و تجاوز قرار دادند که در ادامه مقاله اشاره خواهد شد/م.
- 21- ولادیمیر زئیف جابو تنسکی سر دسته افراتیون اصلاح طلب که بعدا در حزب لیکود گرد هم آمدند.(مصالحه، 2001 م /71)
- 22- البته نتانیاهو با علم به عملی نبودن این تئوری، با مطرح کردن آن به صورت جدی، در به حاشیه کشاندن فلسطینیها در گفتگوی صلح و زیر سوال بردن مشروعیت دیپلماسی فلسطینیها تلاش نمود.(مصالحه/126)
- 23- این مناطق بر اساس سیاست گفتگو با اسرائیل سرنوشت غریبی یافته است که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد.
- 24- البته این اشغالگری به حکم پافشاری خردمندانه سوریه بر استیفای حقوق خود بسان معضلی بر سر راه گفتگوهای صلح خاورمیانه قرار گرفته است/م.
- 25- قطعا تصمیم گیری در مورد سرنوشت عراق در ارتباط با زمینه های فعالیت صهیونیسم در این کشور است. که از قرن 19 میلادی توسط اشخاصی چون اهرن سامسون عراقی (1962 – 1873 م) ایجاد گردید. هرچند جنبش صهیونیستی در عراق در طول جنگ جهانی اول خاموش بود، اما با شکل گیری و شدت گرفتن موج تروریسم صهیونیستی برای کوچاندن یهودیان عراقی به

فلسطین اشغالی این جنبش در آغاز قرن بیستم جان گرفت. (شایان ذکر است: اسحاق مردخای وزیر دفاع کابینه نتانیا هو (1999 - 1996 م) متولد کردستان عراق است). (السودانی، 1986 م / 31، 179. مصالحه/131)

26- رژیم صهیونیستی کشتزارهای شبعاً را بخشی از جولان سوریه می داند و حاضر به عقب نشینی از آن نیست. البته منظور این رژیم ایجاد کمربند امنیتی در جنوب لبنان (شمال فلسطین اشغالی) است. /م.

27- در کنفرانس لندن حاییم وایزمن رهبر صهیونیستهای انگلستان، لویس براندیس رهبر صهیونیستهای آمریکا، ناحوم سوکولف رهبر صهیونیستهای فرانسه حضور داشتند. با طرح موضوع ریاست براندیس بر سازمان صهیونیسم جهانی، اختلاف براندیس و وایزمن در مورد (صندوق تاسیسی) و میزان تمرکز فعالیت در فلسطین و رابطه آن با سازمان صهیونیسم جهانی آشکار گردید. براندیس معتقد بود این صندوق به این اعتبار که سرمایه اصلی آن از سوی شهروندان آمریکایی است می بایست تحت تسلط سازمان صهیونیسم امریکا باشد. اما وایزمن معتقد به صندوق ملی صهیونیسم تحت سلطه سازمان صهیونیسم جهانی بود، و بخوبی هویداست که وایزمن به چیزی بیش از سلطه آمریکا بر پروژه صهیونیسم می اندیشید. (شوفانی / 92 - 391. مصالحه/34، 125)

28- دولت ترکیه در واپسین سالهای قرن 20 با رویکردی استراتژیک تحکیم روابط با رژیم صهیونیستی را در دستور کار خود قرار داده است، و قراردادهایی مختلفی را با این رژیم به امضاء رسانیده است، از جمله تاسیس پایگاه هوایی رژیم صهیونیستی در شرق ترکیه، پروژه سدسازی بر منابع رود دجله و فرات، مشارکت در طرح مدرن کردن ارتش ترکیه از جمله تولید موشکهای هوا به زمین موسوم به (پویی) و موشکهای زمین به زمین (آرو-2). امضاء دستکم 20 قرارداد در زمینه نظامی و دفاعی همچنین نقش موثر موساد در دستگیری اوجالان و حضور نیروهای سازمان امنیتی اسرائیل در ترکیه برای مبارزه دولت با حزب کارگران کرد (پ.ک.ک) را نباید از یاد برد سرانجام نیز سومین رزمایش مشترک ترکیه، اسرائیل، آمریکا موسوم به (دختر دریا) در آبهای بین المللی

مدیترانه اجرا شد(علیرغم این تلاش ها خوشبختانه روابط دیپلماتیک ترکیه با جمهوری اسلامی ایران بر اساس حسن همجواری در سطح مطلوبی است).

29- او جامعه شناس و نویسنده کتاب (Prince=شهریار) و صاحب نظریه (Veran wor

ungse think=اخلاق مسئولیت است. بر اساس این نظریه مرد عمل ناگزیر از به کار بستن آن

است، حکم این اخلاق آن است که باید در وضعیتی معین قرار گرفت، نتایج تصمیم های ممکن را

ملاحظه کرد و در تاروپود رویدادها به کاری اقدام کرد که به نتایجی معین خواهد انجامید یا نتایجی

را که ما طالب آنیم به بار خواهد آورد. اخلاق مسئولیت، کنش را با معیار (وسایل - هدفها) تفسیر می

کند. جمله مشهوری از خود او قرنها پس از وی هنوز موضوع تفکر اندیشه اجتماعی است:

"از آنجا که سیاست عمل است، و کارائی قانون عمل است، اگر وسائلی کارآمد ولی نفرت انگیز برای

عمل داشته باشیم چگونه می توان به نام اخلاق و دین از آنها حتراز کرد؟ اگر امیر جدیدی به قدرت

برسد و از کشتن یکی از فرزندان خانواده ای که قدرت را از دست داده است چشم بپوشد، با این کار

خطر عصیان بر ضد خویش را زیاد کرده است، اگر روزی همان فرزند که وی نمی بایست زنده

می گذاشت او را از اریکه قدرت به زیر افکند این بد اقبالی را که وی می توانست با نادیده گرفتن

احساس رحم و شفقت از آن کنار بماند باید فقط گناه خویش بشمرد". ر.ک: آرون، 1370 ه ش / 567

و683)

30- نخستین رئیس حکومت صهیونیستی/م.

31- اظهارات سخنگوی کاخ سفید در مورد وجود اختلاف نظر با عربستان سعودی در مورد

بحران سرزمینهای اشغالی 31 ژانویه 2002م.

فهرست منابع:

- 1- آرون، ریمون: مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی مترجم: دکتر باقر پرهام انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم 1370 ه ش، تهران - ایران.
- 2- جباره، تیسیر: دور الحركات الاسلاميه في الانتفاضه الفلسطينيه المباركه، دارالفرقان، 1992 م، عمان - اردن.
- 3- جرار، حسنی ادهم: شعب فلسطين امام التآمر البريطاني و الكيد الصهيوني دارالفرقان، عمان - اردن.
نکبه فلسطين دارالفرقان، ط 1، 1995 م، عمان - اردن.
- 4- الخالدي، وليد: القدس من العهد العمريه الى كامب ديفيد الثانيه، موسسه الدراسات الفلسطينيه، 2001 م بيروت - لبنان.
- 5- دون مؤلف: فلسطين تاريخها و قضيتها، موسسه الدراسات الفلسطينيه، ط 1، 1983 م، بيروت، لبنان.
- 6- الديراوى، عمر: الحرب العالميه الاولى، دارالعلم للملايين، ط 13، 1992 م، بيروت - لبنان.
- 7- زعتير، اكرم: سرگذشت فلسطين، مترجم: على اكبر هاشمي رفسنجاني، چاپخانه حكمت، لاتا، قم - ايران.
- 8- السوداني، صادق حسن: النشاط الصهيوني في العراق، دارالشؤون الثقافيه العامه (أفاق عربيه)، ط 2، 1986 م بغداد - عراق.
- 9- شوفاني، الياس: الموجز في تاريخ فلسطين السياسى، موسسه الدراسات الفلسطينيه، 1996 م، بيروت - لبنان.
- 10- العبادى، احمد مختار: في تاريخ الايوبيين و المماليك، دارالنهضة العربيه للطباعه و النشر، 1995 م، بيروت - لبنان.

- 11- فلاح ، غازی:الجليل و مخططات التهويد ،موسسه الدراسات الفلسطينيه، 1993 م،بيروت – لبنان.
- 12- كناعنه ، شريف و ...: القرى الفلسطينيه المدمره ،منشورات المنظمه الاسلاميه للتربيه و العلوم و الثقافه ،د.ت ،الرباط – المملكه المغربيه.
- 13- مصالحه،نور الدين:اسرائيل الكبرى و الفلسطينيون سياسه التوسع ،موسسه الدراسات الفلسطينيه ، 2001 م ،بيروت – لبنان
- 14- هلال ، جميل : استراتيجيه اسرائيل الاقصاديه للشرق الاوسط ،موسسه الدراسات الفلسطينيه ،د.ت ، بيروت – لبنان.